

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه احساس امنیت با سرمایه روان‌شناختی

(مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال خراسان رضوی)

محمدحسن شربتیان^۱، عبدالرضا مجیدی^۲، مهدی عمرانی^۳

از صفحه ۱۷۹ تا ۲۰۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۹

چکیده

هدف و زمینه: احساس امنیت، نبود خطر و ایجاد اطمینان است که می‌تواند با شکوفایی، خوش‌بینی، امید، خودکارآمدی و انعطاف‌پذیری به آسایش و آرامش منتهی گردد. پژوهش حاضر به رابطه تبیینی بین احساس امنیت با سرمایه‌های روان‌شناختی می‌پردازد که از رویکرد خردنگر امنیت وجودی گیدنز و سرمایه روان‌شناختی لوتانز برای تبیین نظری بهره برده شده است.

روش تحقیق: رویکرد کمی مبتنی بر پیمایش (توصیفی و همبستگی)، استفاده از ابزار پرسشنامه، انتخاب ۶۱۸ نمونه مبتنی بر فرمول کوکران و نمونه‌گیری تصادفی ساده یافته‌ها جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج فرضیه‌ها بیانگر این است که متغیر احساس امنیت با متغیر وابسته در سطح معناداری ۰/۰۵ مبتنی بر ضریب همبستگی (۰/۷۲۷) با شدت قوی و بر اساس مقادیر ضریب همبستگی ابعاد متغیر مستقل به ترتیب مولفه‌های احساس امنیت جانی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و روانی رابطه معناداری با متغیر وابسته داشته‌اند. با توجه به مدل رگرسیون مولفه‌های متغیر احساس امنیت روانی، اقتصادی، اخلاقی و جانی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معناداری داشته‌اند و در حدود ۷۹/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. نهادهای امنیتی وجودی مبتنی بر نبود خطر و ایجاد اعتماد و اطمینان می‌تواند سرمایه‌های روان‌شناختی را شکوفا و با همکاری بین متولیان حوزه امنیت، فرهنگ و اجتماع می‌توان امید، خوش‌بینی، خودکارآمدی و انعطاف‌پذیری را در رفتارهای زندگی شهروندان بسترسازی کرد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، سرمایه روان‌شناختی، شهروندان، خراسان رضوی.

^۱دکتری جامعه‌شناسی-مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول. sharbatiyan@gmail.com

^۲کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، قوچان، ایران.

^۳کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

بدون شک در زندگی هر فردی مسیرهای مهم زندگی وجود دارد که سعی می‌کند در این مسیرها به موفقیت دست یابد. وجود این موفقیت با کاهش پیامدهای آسیب‌زای اجتماعی، روانی، رفتارهای پرخطر و افزایش موفقیت‌های شغلی، تحصیلی، زندگی و... همراه خواهد بود. امروزه با توجه به مطالعات سازمانی به سمت جنبه‌های مثبت به جای جنبه‌های منفی و توجه به این فرایند در نظام سازمانی بروز رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا^۱ و در پی آن بروز رفتارهای سازمانی مثبت‌گرا^۲ در دهه اخیر باعث شده است که در کنار انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، سرمایه‌های روان‌شناختی^۳ هم که متمرکز بر صفات مثبت اعضا و شهروندان و کارکنان است هم در جامعه اهمیت پیدا کند. چنین ضرورتی، از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا در سلسله مراتب نیازها و انگیزه‌های افراد، جایگاه خطیری دارد. انسان ایمن، سرشار از انگیزه است و برای هرگونه پیشرفت، مستعد و مهیا است. به اعتقاد مازلو^۴ امنیت با آرامش فرد مرتبط است و این پدیده یک نیاز روانی است که در صورت عدم ارضاء، روان آدمی آزرده می‌شود (کجباف، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

حال باید اشاره کرد که مبتنی بر یک فرایند تعلیلی و تبیینی دامنه‌دار احساس امنیت^۵ می‌تواند با سرمایه روان‌شناختی در ارتباط باشد که به صورت یک سازه ترکیبی به‌هم پیوسته همراه با مولفه‌های شناختی- ادراکی چون (امید یا امیدواری^۶، خوش بینی^۷، خودکارآمدی^۸ و تاب‌آوری^۹ به زندگی فرد دیدی ارزشیابانه و معنا گر بخشیده است. با توجه به این نکته سرمایه روان‌شناختی یکی از شاخص روان‌شناسی مثبت‌گراست. به نظر لوتانزو همکاران^{۱۰} باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات را باید سرمایه روان‌شناختی تعریف کرد (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۴: ۴۲). در همین ارتباط سلیگمن و سیزنت میهالی^{۱۱} (۲۰۰۰) از منظر روان‌شناسی مثبت‌گرا در خصوص سرمایه روان‌شناختی اشاره به این می‌کنند که این پدیده جنبه‌های مثبت زندگی آدمی را در بر می‌گیرد بیشتر بالقوه بوده، اندازه گیری و توسعه آن دشوار است. بنابراین سرمایه روان‌شناختی شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود (سلیگمن و سیزنت میهالی، ۲۰۰۰: ۷).

¹ Positive psychology

² Positive organizational behaviors

³ Psychological Capital

⁴ Maslow

⁵ Feeling of security

⁶ Hope

⁷ Optimism

⁸ Efficacy

⁹ Resiliency

¹⁰ Luthans & et.al

¹¹ Seligman & Csikszentmihalyi

احساس امنیت در حوزه مطالعات علوم انسانی نقش مهمی در کنش کنشگران ایفاء می‌کند بنابراین این پدیده با ذهنیت کنشگر تفسیر می‌گردد؛ یعنی بر مبنای شرایط محیطی و احساساتی که در فرد برانگیخته می‌شود، افکاری که در سر می‌پروراند و انگیزه‌هایی که او را به عمل وا می‌دارد و کنش‌هایی در برابر کنش خود دارد، بر اساس چنین فرایندی احساس امنیت می‌تواند شکل فردی و ذهنی و روانی به خود گیرد. این نوع احساس عنصری سرایت‌کننده است بدین معنا که احساس امنیت یا عدم امنیت در یک بخش از زندگی، می‌تواند حوزه‌های دیگر را تحت تاثیر قرار دهد، همچنین این احساس می‌تواند به وسیله کنش‌های متقابل افراد به دیگر اقشار و یا بخش‌های جامعه سرایت کند. (هزار جریبی و حامد، ۱۳۹۱: ۳۳) به عنوان یک پیش نیاز خودشکوفایی و سرمایه فردی مورد اهمیت قرار می‌گیرد. بدون امنیت و احساس آن در جامعه ناامنی، قدرت تفکر و خلاقیت از انسان سلب شده و رفتارهای خشن و دیگر انحرافات افزایش می‌یابد (هاشمیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵۵) پس احساس امنیت و جوء روانی امنیت همانند امنیت در بعد عینی برای جامعه حائز اهمیت است. بعضی از کارشناسان، احساس امنیت را در یک جامعه مهم‌تر از وجود امنیت در آن جامعه می‌دانند. چون ممکن است در جامعه امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت نکند (باقری زاده و صنعت خواه، ۱۳۹۸: ۳۰).

با توجه به این که احساس امنیت تلفیقی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی است، این پدیده ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی حاصل می‌شود، و افراد به علت حضور و رشد در شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلف برداشت‌های ذهنی متفاوتی از واقعیت‌های مختلف را تجربه می‌کنند و در نتیجه احساسی که آن‌ها در رویارویی با واقعیت پیرامون‌شان خواهند داشت، باهم متفاوت است. این برداشت‌ها نقش اصلی و مهمی در ایجاد احساس امنیت و یا ناامنی در افراد، بازی می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴: ۵).

با توجه به ضرورت نظم عمومی در جامعه و اهمیت آن برای ساختار حاکمیت می‌توان بیان کرد که خودشکوفایی سرمایه‌های روان‌شناختی ارتباط تنگاتنگی با عملکرد سازمان‌های متولی نظم هم می‌تواند داشته باشد. این متغیر در بسترسازی سرمایه‌های فردی در قالب برنامه‌های پیشگیرانه از جرم و تقویت روند برنامه‌های ایجاد امنیت امری حیاتی است. بر این اساس بر پایه عملکرد نظم جامعه محور^۱ و نظم سازمان محور^۲ در جهت حمایت از شهروندان، افزایش آگاهی‌های عمومی و نظارت بر نظم عمومی مبتنی بر قابلیت‌های متولیان نظم در راستای بروز خودشکوفایی سرمایه‌های فردی در زندگی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، مبنای خودشکوفایی سرمایه‌های روان‌شناختی، می‌تواند ناشی از اختیارات و توانایی‌های متولیان نظم باشد، زیرا این متولیان به لحاظ داشتن رفتار حرفه‌ای، اختیارات و ابزار ویژه نقش به‌سزایی در افزایش احساس امنیت خواه پیش از وقوع جرم و پس از آن دارند؛ و از آن جا که متولیان نظم تلاش‌های گوناگونی در جهت نیل به ارتقاء سطح امنیت می‌نمایند، ضروری است تا به وسیله ابزارهای حرفه‌ای، تعاملی و علمی مطالعات دقیقی در

¹ Community-oriented Order

² Organizational order



خصوص احساس امنیت و بروز خودشکوفایی سرمایه‌های روانی فرد، مورد تبیین و تامل قرار گیرد (سلطانی بهرام و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰) بر این مبنا سازمان‌های متولی نظم بر اساس رویکرد اجتماعی مدرن می‌توانند امنیت و احساس آن را در بستر زمینه‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی تولید و تعریف کنند. افراد با توجه به افزایش آگاهی سیاسی که در جامعه دارند می‌توانند به جای تولید قدرت محور امنیت از تولید اجتماع محور امنیت و احساس آن بهره ببرند از این حیث احساس امنیت به عنوان یک احساس ذهنی کنشگر در فرایند زیست اجتماعی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۰).

در نهایت احساس امنیت حالتی خوشایند است که می‌تواند بر سرمایه‌های روان‌شناختی موثر قلمداد شود اگر با این پیش فرض که امنیت در ذهن فرد به عنوان یک عامل درونی تبیین کننده نگرش‌های روانی است، بدون شک کسی که دائماً در حالت ترس و اضطراب قرار دارد هم از نظر فردی و هم اجتماعی دچار مشکل خواهد شد در نتیجه سرمایه‌های زندگی‌اش ممکن است کاهش یابد. با این حال احساس امنیت به‌عنوان باور مشترکی که محیط امنی برای ریسک‌پذیری بین فردی است، تعریف می‌گردد؛ و همراه با مولفه‌هایی که تأثیرگذاری مثبتی را به‌وجود می‌آورد و احساس اعتماد به نفسی را شکل می‌دهد منجر به حُسن نیت شده و پیامدهای منفی را خنثی می‌کند و بر کیفیت زندگی‌اش اثر می‌گذارد، بنابراین ادراک از تمایلات و نگرش‌های افراد در قالب متغیر احساس امنیت از منظر روان‌شناختی نقش مهمی در تبیین سرمایه‌های فردی ایفاء می‌نماید. (کورزیچ و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۴۲). کمتر شاهد آن دسته از تحقیقاتی بوده‌ایم که در دهه اخیر معطوف به رابطه تبیینی احساس امنیت بر سرمایه‌های روان‌شناختی باشد. حال در این نوشتار معطوف به شرایط فردی نگرش احساس امنیت در راستای سرمایه‌های روانی افراد در زندگی مورد تامل قرار می‌گیرد. بنابراین سوال پژوهش این است که:

➤ سرمایه‌های روان‌شناختی شهروندان خراسان رضوی تا چه اندازه می‌تواند متاثر از احساس امنیت و مولفه‌های آن باشد.

¹ Kruzich, &et.al.

جدول ۱: پیشینه تجربی داخلی

نام محققین و زمان تحقیق	روش تحقیق	یافته ها و نتایج بدست آمده
گراوند و همکاران (۱۳۹۹)	کمی از نوع پیمایش (توصیفی و همبستگی)	بر اساس مدل معادله ساختاری یافته ها نشان داد که ارتباط غیرمستقیم امنیت اجتماعی به شادکامی اجتماعی از طریق سرمایه روان شناختی $\beta=0/25$ در سطح معنی داری $p \geq 0/05$ همچنین نتایج نشان داد که امنیت اجتماعی معنی دار بود. بر شادکامی اجتماعی ($p \geq 0/01$) $\beta=0/46$ سرمایه روانشناختی بر شادکامی اجتماعی ($\beta=0/32$) $p \geq 0/05$ و امنیت اجتماعی بر سرمایه روان شناختی ($\beta=0/27$) $p \geq 0/05$ اثر مستقیم داشت. در مجموع امنیت اجتماعی به واسطه سرمایه های روان شناختی به عنوان یک میانجی با نفوذ می تواند بر شادکامی اجتماعی تأثیرگذار باشد.
نیکخواه و صالحی (۱۳۹۸)	کمی از نوع پیمایش (توصیفی و همبستگی)	یافته ها نشان دادند که سرمایه روان شناختی و احساس امنیت روان شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری دارند. بین تاب آوری با عزت نفس معلمان ($r=0/281$) و بین خوش بینی و عزت نفس دانش آموزان ($r=0/354$) بین خوش بینی معلمان و هوش دانش آموزان ($r=0/327$) بین خوش بینی معلمان و انگیزش دانش آموزان ($r=0/340$) بین خوش بینی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ($r=0/348$) بین سرمایه روانشناختی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ($r=0/492$) رابطه مثبت و معنادار وجود داشته است. به طور کل یافته ها نشان دادند که سرمایه روان شناختی و احساس امنیت روان شناختی معلمان توان پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را دارند. بنابراین می توان گفت که افزایش سرمایه روان شناختی و احساس امنیت روان شناختی معلمان می تواند موجب پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شود.
متقی و همکاران (۱۳۹۷)	کمی از نوع پیمایش (توصیفی و همبستگی)	نتایج حاکی از این بوده که بین سرمایه روان شناختی، خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد، به طوری که به ترتیب سرمایه روان شناختی، با مقدار $\beta = -0/68$ خودکارآمدی با مقدار $\beta = 0/22$ امیدواری با مقدار $\beta = 0/19$ و تاب آوری با مقدار $\beta = 0/11$ بیشترین تأثیر معنادار را در تبیین تغییرات و پیش بینی احساس امنیت اجتماعی داشته اند.
حسین پور و همکاران (۱۳۹۵)	کمی از نوع پیمایش (توصیفی و همبستگی)	نتایج تحقیق نشان داد که متغیر سرمایه روان شناختی بر احساس امنیت روان شناختی و تسهیم دانش تأثیر معنادار دارد. همچنین احساس امنیت روان شناختی بر تسهیم دانش تأثیر معنادار دارد. نتایج حاکی از تأثیر سرمایه روان شناختی بر تسهیم دانش با میانجی احساس امنیت روان شناختی بود. الگوی تجربی به دست آمده از تحلیل داده ها تا حد زیادی منطبق با مدل مفهومی پژوهش بود.
جمشیدیان و همکاران (۱۳۹۳)	کیفی از نوع اسنادی و توصیفی	رویکرد اخیر نظریه سازمانی مثبت گرا، با الهام و استفاده از نهضت روان شناسی مثبت گرا به نقاط قوت و مثبت کارکنان و محیط کار توجه نشان داده است بر اساس پژوهش های صورت گرفته می توان از تلویحات سرمایه روان شناختی در عرصه مدیریت منابع انسانی (گزینش جذب، انطباق پذیری، ارتقای شغلی، توسعه آموزش، حفظ نگهداری) استفاده کرد. در واقع، در بین نیروهای پلیس سرمایه روان شناختی می تواند عاملی مهم در شناسایی افراد مناسب همچنین مدیریت اثربخش آن ها پس از جذب در سازمان باشد. همچنین، توجه به سرمایه روان شناختی افزایش تقویت آن در بین کارکنان باعث افزایش سلامت جسمی روحی روانی در نتیجه بهبود تفکر تصمیم گیری نیروهای پلیس می شود. نیز با توجه به یافته های مختلف پژوهشی می توان ضریب وفاداری، رضایت شغلی، تعهد سازمانی، رفتار شهروند سازمانی، عملکرد ... آن ها را افزایش داد. همچنین باعث افزایش نرخ نگهداری آن ها در سازمان شد. در مجموع، وجود کارکنان مثبت نگر باعث می شود مثبت گرایی در سازمان ترویج پیدا کند جو مثبت روان شناختی ایجاد شود که خود زمینه رشد خلاقیت و بروز مهارت ها استعداد های افراد را نیز فراهم سازد.



با توجه به پیشینه تحقیق باید بیان کرد که تاکنون تحقیقات پیرامون رابطه احساس امنیت و سرمایه روانی افراد یا شهروندان در سال های اخیر به صورت محدود مطالعه شده است؛ و رابطه ای که بتواند اثر احساس امنیت را با مولفه های سرمایه روانی از جمله (خودکارآمدی، امید، خوش بینی و تاب آوری) مورد ارزیابی قرار دهد کمتر مورد شناسایی، تبیین و تفسیر قرار گرفته است. در همین راستا باید اشاره کرد که در سطح روشی: در این پژوهش متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده در حالی که پژوهش های قبلی متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و غالباً امنیت اجتماعی مد نظر است؛ در سنجش سرمایه روان شناختی از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است و نیز این پژوهش تاکنون در جامعه مورد نظر انجام نشده است، از آنجایی که در زمینه سرمایه اجتماعی پژوهش های متعددی انجام شده اما در زمینه سرمایه روان شناختی در سطح کشور دچار خلاء و کمبود هستیم. در سطح محتوایی: در حالی که امنیت در ابعاد گسترده (جانی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، روانی و اقتصادی) به عبارتی در همه ابعاد سنجیده شده است و دو بعد تصور ذهنی و عینی پاسخگویان را در برمی گیرد، که در پرسشنامه محقق ساخته ذکر شده است. در نهایت وجود تحلیل چنین پژوهش هایی در راستای افزایش سرمایه های فردی در ارتباط با نظم و امنیت و متولیان نظم از جمله پلیس در راستای مأموریت اصلی این سازمان که تثبیت نظم و افزایش امنیت است، چنین نوشتارهای پژوهشی لازم به نظر می رسد؛ تا از این طریق با شناسایی و تفسیر روابط بین متغیرها بتوان به بسترسازی و ارتقاء امنیت روانی پایدار شهروندان با تاکید بر رویکرد پلیس جامعه محور کمک کرد.

رویکردهای نظری

احساس امنیت

با نگاهی به زندگی شهروندان جامعه می توان دریافت که امنیت و احساس آن در رضایتمندی و مطلوبیت زندگی افراد نقش مهمی دارد. در این سطح از مطالعات نظری احساس امنیت با رفاه ذهنی^۱، اطمینان خاطر^۲ همراه است؛ و اشاره به شرایطی می کند که سیستم حفاظتی جامعه در مقابل جرایم و رفتارهای آنومیک از شرایط مؤثر و کارآمدی در زمینه های پیشگیری از آن و مقابله مؤثر با آن برخوردار است (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). بر این اساس احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸) به عبارت دیگر نوعی فقدان هراس از اینکه ارزش های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸

¹ Subjective Welfare

² Peace of Mind



۱۴۹). در نهایت احساس امنیت تلفیقی از ابعاد ذهنی، فردی، روانی نسبت به مسائلی و موضوعاتی که در زندگی وجود دارد حاصل می‌گردد.

از منظر آنتونی گیدنز^۱ امنیت وجودی یکی از صور مهم احساس امنیت در معنای وسیع آن است. این اصطلاح به اطمینانی بر می‌گردد که بیشتر انسان‌ها به تداوم شخصیت هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. به نظر وی امنیت وجودی با هستی در جهان سروکار دارد، اما این امنیت نه پدیده‌ای شناختی، بلکه پدیده‌ای عاطفی و ذهنی است که در ناخود آگاه ریشه دارد. سرچشمه‌های چنین امنیتی را باید در برخی تجربه‌های دوران کودکی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۲). به عبارت دیگر امنیت و احساس آن را می‌توان موقعیتی خواند که در آن، یک رشته خطرهای خاص، به حداقل رسانده یا با آن‌ها مقابله می‌شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. (یاری و هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۲) به معنای دیگر احساس اطمینان پذیری اشخاص و چیزها برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد. برای همین است که این دو احساس از جهت روان شناختی پیوند نزدیکی با هم دارند (ووثوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۴۳). گیدنز بر این اصل تأکید دارد در دنیای جدید شرایطی پدیده آمده است که اطمینان بخش نیستند و بر وجود امنیت و احساس آن دلالت ندارد. بنابراین اعتماد و اطمینانی که از ایمان سرچشمه می‌گیرد و پیوند میان ایمان و اطمینان است، شرط تحقق امنیت و احساس آن خواهد بود و در غیر این صورت نتیجه اش اضطراب وجودی دائمی است. (گیدنز، ۱۳۷۷ به نقل از ذاکری ماهانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰). به عبارت دیگر نقطه مقابل اطمینان به عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که خلاصه‌اش همان نگرانی یا هراس وجودی است. مباحثی چون روابط اجتماعی، خطر کردن و مخاطره، اضطراب وجودی، و... متغیرهایی هستند که احساس امنیت را با تبیین آن‌ها می‌توان توضیح داد. (گیدنز، ۱۳۷۸) در نهایت احساس امنیت حاصل اطمینان به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر اساس آن سامان می‌گیرد و بر پایه اطمینان بنیادی در نهاد خانواده شکل گرفته سپس به دیگران و جامعه تسری پیدا می‌کند بر این اساس گیدنز بیان می‌کند که احساس امنیت در نگرش افراد از ویژگی‌هایی چون ۱- ذهنی بودن برخوردار است و مهم‌تر از عینی بودن است ۲- قابلیت تعریف بر اساس بود و نبود خطر ۳- فرآیندی است که در طول زمان در جریان است و بر اساس خطر تغییرپذیری هر لحظه متفاوت است. ۴- این پدیده ضمن اطمینان به شناخت، بعد هستی شناختی فرد را سرو سامان داده و پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نورد (صالحی و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۵).

سرمایه روان شناختی

سرمایه روان شناختی، یک وضعیت توسعه‌ای مثبت روان شناختی است که به متعهد شدن و انجام تلاش لازم فرد برای موفقیت در کارها و وظایف چالش برانگیز (خودکارآمدی) در کنار بهره‌مندی از استناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش بینی) همچنین پایداری در راه اهداف و در

¹ A. Giddens



صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امید) و پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (تاب آوری) تعریف می‌شود. (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷).

در این راستا خودکارآمدی: به‌سادگی به اعتماد به نفس تعریف می‌شود. به عبارت دیگر باور (اطمینان) فرد به توانایی‌هایش و دستیابی به موفقیت معین از راه ایجاد انگیزه در خود، تامین منابع شناختی برای خود و نیز ایفای اقدامات لازم (سیمار اصل و فیاضی، ۱۳۷۸: ۴۶). امید: به‌عنوان داشتن دید مثبت نسبت به آینده و توانایی ایجاد گذرگاه‌هایی برای رسیدن به اهداف و آرزوها تعریف شده است (اسنایدر و همکاران^۱، ۱۹۹۱) امید پیش‌بینی‌کننده تنظیم اهداف و دستیابی به آن‌هاست. امید ترکیب نوعی عزم درونی با رویدادهای بیرونی است که ما آرزو داریم رخ بدهند (والش^۲، ۲۰۰۶). امید نقش اکسیژن روانی را برای انسان ایفا می‌کند، که وجود آن برای بقا و مبارزه با چالش‌ها در زندگی ضروری است. به اعتقاد اسنایدر، و همکاران امید، حالت انگیزشی مثبتی است که از احساس موفقیت‌آمیز عاملیت (انرژی معطوف به هدف) و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف ناشی شده است. (اسنایدر و همکاران^۳، ۲۰۰۲). خوش‌بینی: انتظار کلی این است که در آینده چیزهای خوب بیشتر از چیزهای بد اتفاق می‌افتد (کار، ۱۳۸۵). عموماً افراد، خوش‌بینی را به‌صورت در نظر گرفتن نیمه پر لیوان، یا دیدن لایه‌ای براق در هر پدیده، یا عادت به انتظار پایانی خوش برای هر دردسر واقعی، در نظر می‌گیرند. افراد خوش‌بین همواره در انتظار رخ دادن یک اتفاق خوشایند در زندگی‌شان هستند (سیمار اصل و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶). تاب‌آوری: کنار آمدن موفقیت‌آمیز فرد با عوامل استرس‌زا و موقعیت‌های دشوار تاب آوری نامیده می‌شود (مک کوبین و مک کوبین^۴، ۱۹۹۶). تاب‌آوری به‌عنوان حوزه‌ای پر طرفدار در سال‌های اخیر، به مطالعه و کشف توانمندی‌های فردی و بی‌نفردی می‌پردازد و باعث پیشرفت و مقاومت در شرایط دشوار می‌گردد (ریچاردسون^۵، ۲۰۰۲). افراد تاب‌آور قدرت پذیرش واقعیت را دارند و بر این باورند که زندگی بامعنا تر از آن است که بخواهند در مقابل مشکلات تسلیم شوند (کوتو^۵، ۲۰۰۲).

جمع بندی مبانی نظری پژوهش

در نهایت لوتانز براین باور است که سرمایه روان‌شناختی باتکیه برمتغیرهای روانی مثبت‌گرایی همچون امیدواری، خودکارآمدی و... منجر به ارتقای ارزش سرمایه‌ای (دانش و مهارت‌های افراد، شبکه روابط میان آن‌ها) می‌شود، و این متغیر ناشی از عدم اضطراب و استرس و داشتن اطمینان و اعتماد در زندگی فردی شکل می‌گیرد. بنابراین، سرمایه روان‌شناختی، ازمتغیرهای روان‌شناسی مثبت‌گرایی است که قابل اندازه‌گیری، توسعه و پرورش است و امکان اعمال مدیریت برآن وجود دارد، و متاثر از

¹ Snyder, et.al

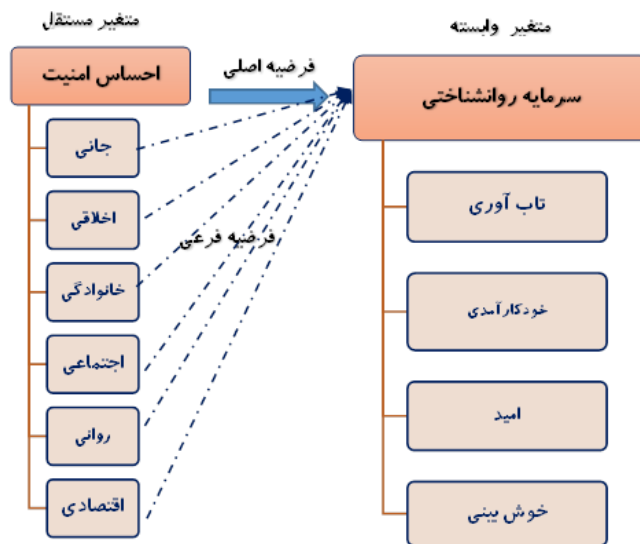
² Walsh

³ McCubbin, & McCubbin

⁴ Richardson

⁵ Coutu

امنیت وجودی و اطمینان و اعتماد در زندگی حاصل می‌گردد. بنابراین با توجه به ضرورت دو متغیر یاد شده در زندگی شهروندان احساس امنیت به عنوان متغیری روانی و اجتماعی می‌تواند عامل موفقیت در سیستم زندگی فردی و اجتماعی شهروندان از جمله تبلور سرمایه‌های روانشناختی، شور و شوق و انگیزه‌های درونی آنان در طی زندگی برای موضوعات مختلف زندگی باشد و ارتباط این دو پدیده در سطح زندگی فردی و اجتماعی موجبات ارتقاء یاددهی و یادگیری مثبت‌نگر را درگرایش‌ها و نگرش‌های افراد به وجود می‌آورد و در نتیجه موجب پیشرفت سازنده افراد در زندگی خواهد شد. با توجه به مبانی نظری و مفاهیم مورد بررسی مدل مفهومی زیر مطرح می‌گردد.



شکل ۱: مدل مفهومی تأثیر احساس امنیت (محقق ساخته) بر سرمایه روان‌شناختی (لوتانز)

با توجه به آنچه که در مباحث نظری و تدوین مدل مفهومی بیان شد فرضیه‌های این پژوهش این‌گونه بیان می‌گردد.

فرضیه اصلی

بین میزان احساس امنیت با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین میزان احساس امنیت جانی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت اخلاقی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت خانوادگی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت اجتماعی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت روانی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس امنیت اقتصادی با سرمایه روان‌شناختی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.



روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحقیق کمی، راهبرد پیمایش (از نوع تصیف و همبستگی) و ابزار پرسشنامه استاندارد شده (سرمایه روانشناختی لوتانز^۱) و محقق ساخته (احساس امنیت) برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. هدف این پژوهش کاربردی، مقطعی، تبیینی بوده است. ضمناً در این پژوهش واحد مشاهده و تحلیل افراد یا همان شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله استان خراسان رضوی بوده است حجم جامعه مورد مطالعه بر اساس آخرین آمار سرشماری (۱۳۹۵)، برابر ۴۴۰۷۹۶۶ نفر بوده است (مرکز آمار ایران). بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۶۱۸ نفر به دست آمده که مبتنی بر شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر اساس طیف لیکرت مبتنی بر بازه دامنه (۱ تا ۵) (خیلی زیاد تا خیلی کم) اطلاعات جمع‌آوری شده است^۲ و از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نرم افزار Spss23 استفاده گردیده است.

ابزارهای تحقیق

در راستای ابزارهای تحقیق باید اشاره به این کرد که برای متغیر سرمایه روان‌شناختی از پرسشنامه استاندارد شده لوتانز استفاده شده است. پرسشنامه بر مبنای محتوای نظری سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (امید، خوش بینی، خودکارآمدی و تاب‌آوری) تدوین شده است. از این جهت برای سنجش هر مؤلفه یک خرده مقیاس در نظر گرفته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است. هر ۶ گویه آن یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی را می‌سنجد و مجموع آنها مشخص‌کننده سرمایه روان‌شناختی است لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود در نمونه‌هایی از دانشجویان ۰ برآورد کردند و در رشته مدیریت، مدیران و تکنسین‌ها کم‌ترین آلفای کرونباخ را ۰/۸۸ پژوهشی دیگر (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۰) برای همه خرده مقیاس‌ها به جز تاب‌آوری آلفای ۰/۷۰ را گزارش کرده‌اند. و برای تاب‌آوری ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. نتایج تحلیل عاملی تأیید^۳ حاکی از این است که این آزمون دارای عوامل و سازه‌های مورد نظر سازندگان آزمون است. در حقیقت نتایج تحلیل عاملی روایی سازه آزمون را تأیید کردند. مدل چهار عاملی برازش بهتری با داده‌ها داشته و با مدل نظری هم‌ماهنگی دارد. نسبت خی دو این آزمون برابر با ۲۴/۶ است و اماره‌های CFI و RMSEA در این مدل ۰/۹۷ و ۰/۰۸ به دست آمده است. (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷ و لوتانز و همکاران، ۲۰۱۰) در پژوهش فروهر و همکاران (۱۳۹۰) میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۷ برآورد شد. در تحقیق صرامی و همکاران (۱۳۹۳) نتایج تحلیلی عاملی نشان داد که پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی دارای چهار عامل مجازی امید،

^۱ Luthans Psychological Capital Questionnaires

^۲ بر اساس طیف لیکرت به ترتیب بیشترین صفت به گزینه، بسیار زیاد (۵)، زیاد (۴)، تاحدی (۳)، کم (۲)، بسیار کم (۱)، به‌عنوان کمترین صفت گزینه‌های مربوطه اختصاص داده شده است. بر اساس سؤالات پرسشنامه بر مبنای تبدیل مقیاس رتبه ای به شبه فاصله‌ای در این تحقیق تلاش کرده‌ایم که شاخص‌های طیف لیکرت مذکور را در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار دهیم.

^۳ Confirmatory Factor analysis



تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی است. ضریب پایایی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ به دست آمد.

با توجه به مباحث روش‌شناختی در این تحقیق از اعتبار محتوایی^۱ که متضمن بررسی منظم محتوای آزمون است به منظور این سوال که آیا آزمون، نمونه‌های معرف از حوزه رفتار مورد اندازه‌گیری را در بر می‌گیرد یا خیر؟ (گتایی پور و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳۰۰) در این راستا از اعتبار توافق داوران یا اعتبار صوری^۲ و یا ظاهری بخشی بهر برده شده است بر این مبنا اعتبار صوری وابسته به قضاوت محقق است (صفری شالی، ۱۳۹۰: ۷۷) که در این تحقیق از چند متخصص (توافق داوران) بهره برده شده است. در جهت ارزیابی اعتبار سوالات از آزمون تحلیل عاملی که مطالعه نظم و ساختار موجود در داده‌های چند متغیره است و به صورت تاییدی که بیانگر درصد تعیین این مساله است که آیا تعداد عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند با آنچه براساس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت انطباق دارد (حبیب پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در این زمینه از آزمون کرویت بارتلت (KMO) در نرم افزار spss استفاده می‌شود.

پایایی یک ابزار اندازه‌گیری از طریق مقدار آلفای کرونباخ^۳ نشان داده می‌شود که این رویه بستگی به هماهنگی کارکرد آزمون از یک سؤال به سوال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سوالات می‌باشد و در نهایت براساس همبستگی درونی سوالات مقدار آلفا استخراج می‌شود. چنانچه این مقدار بیش از ۰/۷ باشد می‌توان بیان کرد که ابزار دارای پایایی بالایی است. (همان: ۳۵۹) بر این اساس مقدار آلفای کرونباخ سرمایه روان‌شناختی برابر ۰/۸۴۹ و برای احساس امنیت برابر ۰/۹۳۰ بدست آمده که نشانگر این هست که گویه‌های مولفه‌های متغیره‌های مورد تحقیق دارای سازگاری درونی خوبی هستند و قابلیت اندازه‌گیری یک متغیر پنهان را دارند. جدول زیر به تفکیک مقدار اعتبار روایی مولفه‌ها و متغیره‌های این تحقیق را نشان می‌دهد.

¹ Content Validity

² Face validity

³ Cronbach s alfa

جدول ۲: ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) و اعتبار (تحلیل عاملی تاییدی) متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر / مولفه	گویه‌ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
اقتصادی	۱۸	۰/۸۴۴	۰/۸۸۰	۳۵۸۵/۴۳۹	۱۵۳	۰/۰۰۰
جانی	۹	۰/۶۰۰	۰/۶۸۸	۷۰۸/۹۱۳	۳۶	۰/۰۰۰
اخلاقی	۱۳	۰/۷۹	۰/۸۲۶	۲۰۰۵/۷۶۵	۷۸	۰/۰۰۰
روانی	۱۲	۰/۸۴۵	۰/۸۸۳	۲۷۶۳/۹۳۶	۷۸	۰/۰۰۰
اجتماعی	۱۶	۰/۷۸۵	۰/۸۳۳	۲۲۸۶/۰۳۶	۱۲۰	۰/۰۰۰
خانوادگی	۱۱	۰/۷۰۴	۰/۷۹۹	۱۲۷۴/۹۸۰	۵۵	۰/۰۰۰
احساس امنیت	۸۰	۰/۹۳۰	۰/۸۶۹	۱۴۴۴۱/۷۱۰	۳۱۶۰	۰/۰۰۰
خودکارآمدی	۶	۰/۷۶۰	۰/۷۵۴	۱۰۷۲/۲۸۴	۱۵	۰/۰۰۰
امید	۶	۰/۷۴۲	۰/۷۰۵	۱۰۱۲/۶۴۴	۱۵	۰/۰۰۰
خوش بینی	۶	۰/۷۰۲	۰/۶۷۵	۹۷۸/۳۲۸	۱۵	۰/۰۰۰
انعطاف پذیری	۶	۰/۷۱۱	۰/۷۸۱	۸۰۰/۰۱۳	۱۵	۰/۰۰۰
سرمایه روان‌شناختی	۲۴	۰/۸۴۹	۰/۸۵۹	۴۹۹۰/۷۷۵	۲۷۶	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق مقادیر آزمون KMO بین دامنه صفر تا یک قرار دارد اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند. برای کلیه مولفه‌های شاخص متغیرهای تحقیق چون مقادیر بالای ۰/۶۰ است اجرای تحلیل عاملی مانعی ندارد در نهایت برای متغیر احساس امنیت مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۸۶۹ به دست آمده و نتیجه آزمون بارتلت برابر با ۱۴۴۴۱/۷۱۰ در سطح خطای ۰/۰۰۰ به دست آمده است؛ بیانگر این است که ۱۸ مقیاس از ۸۰ مقیاس احساس امنیت توانسته‌اند در این تحقیق در حدود ۶۲/۵۸۳ درصد از کل واریانس مرتبط با احساس امنیت را تبیین کنند. برای متغیر سرمایه روان‌شناختی مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۸۵۹ به دست آمده است، همچنین مقدار آزمون بارتلت برابر با ۴۹۹۰/۷۷۵ در سطح خطای ۰/۰۰۰ به دست آمده است. در نهایت باید بیان کرد که ۶ مقیاس از ۲۴ مقیاس سرمایه روان‌شناختی توانسته‌اند در این تحقیق در حدود ۳/۰۱۹ درصد از کل واریانس گویه‌های مرتبط با متغیر سرمایه روان‌شناختی را تبیین کنند.

جدول ۳: خلاصه توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای شهروندان^۱

متغیر/مولفه	نوع	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۳۳۸	۵۴/۸
	زن	۲۸۰	۴۵/۲
وضعیت تحصیلی	تا دیپلم	۹۱	۱۴/۷
	دیپلم	۱۹۵	۳۱/۵
	دانشگاهی	۳۳۲	۵۳/۷
وضعیت تاهل	مجرد	۱۱۷	۱۹
	متاهل	۴۸۳	۷۸
	مطلقه/ همسر فوت شده	۱۸	۲۹
گروه سنی	زیر ۲۰ سال	۳۹	۶/۳
	۲۰ تا ۴۰ سال	۴۰۱	۶۴/۸
	۴۰ تا ۶۰ سال	۱۶۷	۲۷
	۶۰ سال به بالا	۱۱	۱۷/۷
وضعیت اشتغال	کارمند	۲۱۳	۳۴/۴
	کارگر	۳۶	۵/۸
	شغل آزاد	۱۵۴	۲۵
	خانه دار	۱۴۳	۲۳
	محصل/ دانشجوی	۴۸	۷/۷
	بازنشسته	۲۴	۳/۸

با توجه به نتایج پاسخ‌گویان مرد به نسبت زن در این تحقیق بیشتر بوده است پاسخ‌گویان با تحصیلات دوره کارشناسی به نسبت دیگر گروه‌های تحصیلی بوده است. نزدیک به ۸۰ درصد پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند، گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال بیشترین فراوانی را در این تحقیق داشته‌اند و میانگین سنی ۳۴/۳۲ سال بوده است. وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان با توجه به میانگین جدول به ترتیب کارمند، شغل آزاد، خانه دار، کارگر، دانشجوی، دانش آموز و بازنشسته در زمان جمع‌آوری اطلاعات بوده است. در ادامه بحث نتایج توزیع فراوانی متغیرها به همراه آماره‌های مرتبط با آن در جدول زیر آمده است.

^۱ باید اشاره کرد که جمع پاسخ‌گویان این تحقیق برابر با ۶۱۸ نفر در سطح جامعه مورد مطالعه بوده است.

جدول ۴: خلاصه توزیع فراوانی بر حسب متغیرها و مولفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی و احساس امنیت^۱

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار
خودکارآمدی	۲/۵۵۸۷	۰/۸۳۲۶۱	امید	۳/۰۹۷۳	۰/۸۴۸۸۶
خوش بینی	۲/۶۲۵۷	۰/۷۳۶۰۷	تاب آوری	۲/۷۸۶۷	۰/۷۳۳۴۷
سرمایه روان‌شناختی میانگین: ۲/۷۶۸۶ انحراف معیار: ۰/۵۵۱۳۳					
شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار
امنیت اقتصادی	۲/۱۰۰	۰/۵۶۳۷۵	امنیت جانی	۲/۷۳۲	۰/۵۸۰۰۹
امنیت اخلاقی	۲/۴۶۴	۰/۶۱۳۶۰	امنیت اجتماعی	۲/۲۳۱	۰/۴۸۹۲۸
امنیت خانوادگی	۲/۱۶۲	۰/۵۷۰۰۰	امنیت روانی	۲/۸۹۹	۰/۶۹۵۲۷
احساس امنیت میانگین: ۲/۴۳۱ انحراف معیار: ۰/۴۱۶۹۱					

همان‌طور که از نتایج جدول هویداست وضعیت میانگین متغیر وابسته در بین پاسخ‌گویان به ترتیب گویه‌های کم، متوسط و زیاد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است و به ترتیب، میانگین امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی مورد توجه قرار گرفته است. در بین مولفه‌های متغیر احساس امنیت بالغ بر ۷۰ درصد پاسخ‌گویان در حد متوسط اعلام کرده‌اند که در جامعه احساس امنیت وجود دارد و به ترتیب میانگین مولفه‌های روانی، جانی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی حائز اهمیت بوده است.

یافته‌های استنباطی

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده جدول زیر به بررسی این آزمون استنباطی می‌گردد.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و فرعی تحقیق

متغیر و مولفه‌ها مستقل	متغیر و مولفه‌ها وابسته	ضریب همبستگی	شدت رابطه	سطح معناداری
سرمایه روان‌شناختی	احساس امنیت جانی	۰/۵۴۲	متوسط	۰/۰۰۰
	احساس امنیت اخلاقی	۰/۵۰۱	متوسط	۰/۰۰۰
	احساس امنیت خانوادگی	۰/۳۲۷	کم/ضعیف	۰/۰۰۰
	احساس امنیت اجتماعی	۰/۴۴۴	متوسط	۰/۰۰۰
	احساس امنیت روانی	۰/۲۰۶	کم/ضعیف	۰/۰۰۰
	احساس امنیت اقتصادی	۰/۳۸۷	کم/ضعیف	۰/۰۰۰
	احساس امنیت	۰/۷۲۷	قوی	۰/۰۰۰

^۱ متغیرهای مذکور بر اساس طیف لیکرت که جنبه رتبه‌ای ماهیتاً دارد و در سطح شبه فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول فوق ضریب همبستگی رابطه میان متغیرهای اصلی و فرعی را مبتنی بر آزمون پیرسون نشان می‌دهد. در کلیه موارد فرضیه‌های تحقیق با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه معناداری داشته‌اند. مطابق جدول بالا دامنه همبستگی متغیرهای احساس امنیت اقتصادی، روانی، خانوادگی که بیانگر شدت رابطه بین (۰/۲۰ تا ۰/۴۰) رابطه نسبتاً ضعیف یا کم با متغیر وابسته دارد بین متغیرهای احساس امنیت جانی، اخلاقی، اجتماعی که بیانگر شدت رابطه بین (۰/۴۰ تا ۰/۶۰) رابطه نسبتاً متوسطی با متغیر وابسته وجود دارد و بین متغیرهای اصلی تحقیق احساس امنیت (مستقل) و سرمایه روان‌شناختی (وابسته) که بیانگر شدت رابطه بین (۰/۶۰ تا ۰/۸۰) است رابطه همبستگی قوی بین متغیرها وجود دارد.

جدول ۶: رگرسیون خطی چند متغیره مولفه‌های متغیر مستقل با متغیر وابسته

سطح معناداری	T	ضرایب معیار شده	ضرایب معیار نشده		متغیرهای مستقل	
		Beta	خطای معیار	B		
۰/۰۱۷	۲/۴۰۳	-	۰/۰۶۲	۰/۱۴۸	مقدار ثابت	
۰/۰۰۰	۶/۸۳۲	۰/۱۵۶	۰/۰۲۲	۰/۱۴۸	امنیت جانی	
۰/۰۰۰	۶/۸۶۲	۰/۱۶۶	۰/۰۲۲	۰/۱۴۹	امنیت اخلاقی	
۰/۰۲۳	-۲/۲۷۳	-۰/۰۵۴	۰/۰۲۳	-۰/۰۵۲	امنیت خانوادگی	
۰/۱۸۳	۱/۳۳۳	۰/۰۳۷	۰/۰۲۲	۰/۰۴۲	امنیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۳۵/۰۹۹	۰/۷۰۴	۰/۰۱۶	۰/۵۶۰	امنیت روانی	
۰/۰۰۰	۴/۵۴۶	۰/۱۱۷	۰/۰۲۵	۰/۱۱۴	امنیت اقتصادی	
آزمون دوربین واتسون ^۱	سطح معناداری (Sig)	اماره F	خطای استاندارد شده Std. Error of Estimate	ضریب تعیین تعدیل (R ² adj) Adjusted R Square	ضریب تعیین (R ²) (Rsquare)	ضریب همبستگی چندگانه (R)
۱/۷۶۵	۰۰۰	۳۹۳/۱۱۳	۰/۲۵۰۶۷	۰/۷۹۴	۰/۷۹۶	۰/۸۹۲

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده که شامل ضرایب برآورد مدل رگرسیونی است این گونه به دست می‌آید:

$$۰/۹۶۱ = (۰/۱۴۸ + ۰/۱۴۹ + (-۰/۰۵۲) + ۰/۰۴۲ + ۰/۵۶۰ + ۰/۱۱۴)$$

مدل با توجه به ضرایب معیار شده (Beta) سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد که به ترتیب در این مدل مولفه‌های امنیت روانی، اخلاقی، جانی، اقتصادی نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در این مولفه‌ها باعث تغییر در متغیر وابسته می‌شود. ضمناً در این مدل رگرسیونی امنیت اجتماعی معنادار نبوده است و امنیت خانوادگی هم رابطه معکوس با متغیر وابسته (سرمایه روان‌شناختی) داشته است. با توجه به این مدل رگرسیونی برای

^۱ آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ می‌باشد. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی منفی می‌باشد. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای نگرانی نیست.



مؤلفه‌های متغیر احساس امنیت روانی، اقتصادی، اخلاقی و جانی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معناداری وجود دارد که این مؤلفه‌ها بر سرمایه روان‌شناختی شهروندان اثر دارد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۸۹۲ به دست آمده است که نشان می‌دهد بین مجموعه مؤلفه‌های متغیر مستقل با وابسته رابطه همبستگی خیلی قوی در زمان پژوهش وجود داشته است. مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۷۹۶ است که این مقدار به ضریب ۱ نزدیک است و نشان از این دارد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند میزان زیادی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۹۴ است که بیانگر این است که مؤلفه‌های احساس امنیت توانسته‌اند در حدود ۷۹/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (سرمایه روان‌شناختی) را تبیین کنند. مقدار آماره F (۳۹۳/۱۱۳) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی پژوهش مرکب از مؤلفه‌های متغیر مستقل از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادرند به خوبی میزان تغییرات و واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین باید بیان کرد که با توجه به اینکه آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ می‌باشد. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی می‌باشد. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای نگرانی نیست (حبیبی، ۱۳۹۷) بر این اساس چون مقدار آزمون مذکور در این تحقیق برابر با (۱/۷۶۵) به دست آمده است بنابراین مفهوم مستقل بودن متغیر این پژوهش اثبات شده و به این معنی است که نتایج مشاهده تأثیری بر دیگر مشاهدات نداشته است.

نتیجه گیری

با توجه به شرایط جامعه احساس امنیت و مؤلفه‌های آن در ارتباط با سرمایه روان‌شناختی می‌تواند سهم پر رنگی در تامین آسایش و آرامش زندگی فردی داشته باشد. بر این اساس احساس امنیت به‌عنوان بعد ذهنی و شناختی نگرش شهروندان به همراه مؤلفه‌های آن می‌تواند در ارتقاء کیفیت زندگی افراد موثر قلمداد شود. در پژوهش حاضر هدف تبیین و تحلیل همبستگی بین احساس امنیت و ابعاد آن با سرمایه روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به راهبرد پیمایش ناشی از روش کمی و با تکیه بر ابزار پرسشنامه استاندارد شده و محقق ساخته، یافته‌های پژوهش در بین شهروندان بالای ۱۸ سال جمع‌آوری شده است.

نتایج استنباطی حاکی از آن است که احساس امنیت و مؤلفه‌های آن به‌عنوان متغیر اثرگذار بر متغیر وابسته در این پژوهش بوده است و در نهایت احساس امنیت تقریباً رابطه قوی با متغیر وابسته داشته است؛ که با یافته‌های گراوند و همکاران (۱۳۹۹)، نیکخواه و صالحی (۱۳۹۸)، متقی و همکاران (۱۳۹۷) مشابهت داشته است. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۷۹۶ به دست آمده که بیانگر نزدیک به ۸۰ درصد از کل تغییرات، میزان سرمایه روان‌شناختی را تحت تاثیر قرار داده است. همان‌گونه که در سطوح تحلیل خرد آمده است، احساس امنیت به‌عنوان یک

پیش نیاز در راستای سرمایه روان‌شناختی مثبت‌گرا لازم به نظر می‌رسد؛ بنابراین وجود هرگونه ناامنی می‌تواند کیفیت زندگی افراد را به خطر اندازد؛ و شهروندان را از امید به زندگی و خوش‌بینی باز دارد؛ و میزان تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری را کمرنگ کند، همچنان‌که حسین پور و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیقات خود احساس امنیت و وجود سرمایه روان‌شناختی در افراد را منجر به دریافت سهم بیشتری از دانش می‌دانند، علاوه بر این فقدان احساس امنیت در سطح زندگی باعث می‌شود که روابط انسانی محدود گردد که همه این موارد می‌تواند در کاهش سرمایه روانی به‌عنوان متغیر وابسته که نقش به‌سزایی در فعالیت‌های افراد قلمداد گردد، می‌توان به نتایج جمشیدیان و همکاران (۱۳۹۳) که وجود متغیر سرمایه روان‌شناختی در نیروهای پلیس منجر به رشد خلاقیت و بروز مهارت‌ها و استعداد‌های کارکنان پلیس و بهبود فعالیت‌های پلیس می‌گردد، اشاره کرد.

با توجه به نتایج بتای رگرسیون در این پژوهش که به تاثیر احساس امنیت بر سرمایه روانی معطوف بوده است نتایج حاکی از این است که مولفه‌های (روانی، اخلاقی، جانی، اقتصادی) به‌ترتیب می‌توانند بر افزایش سرمایه روانی اثر گذارند؛ در واقع بستر سازی احساس امنیت در زندگی باعث این می‌گردد که اضطراب و استرس افراد کمتر شود، همچنین اطمینان و اعتماد به نفس افزایش یابد؛ در نهایت فرد می‌تواند استعدادها و ظرفیت‌های خود را با امنیت خاطری پیگیری کند، بنابراین احساس امنیت و مولفه‌های آن در سطح خرد موجب موفقیت و پیشرفت زندگی فردی شده و در نهایت با جمع این موفقیت‌ها در سطح اجتماعی و دیدگاه کل‌گرایانه جامعه به‌سمت توسعه پایدار سوق می‌یابد.

به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که سرمایه‌های روانی هر فرد در خانواده شکل می‌گیرد اما با توجه به سطوح هنجاری، ساختاری و شناختی خانواده ابتدا سرمایه اجتماعی در اختیار فرد قرار می‌گیرد؛ سپس سرمایه‌های روان‌شناختی حاصل می‌شود. به‌عبارتی فرآیند بازتولید سرمایه اجتماعی نسبت به بازتولید سرمایه روان‌شناختی، اساساً در خانواده زودتر شکل می‌گیرد. بنابر نتایج این تحقیق، عامل سرمایه روان‌شناختی با احساس امنیت در خانواده رابطه معکوس دارد. با افزایش امنیت خانواده سایر سرمایه‌های زندگی افراد از جمله سرمایه اجتماعی تقویت می‌گردد و یا برعکس با افزایش سرمایه اجتماعی احساس امنیت خانواده افزایش می‌یابد. پس با توجه به نتایج باید اشاره کرد که وجود سرمایه اجتماعی و تقویت احساس امنیت در خانه و خانواده در گام اول به نسبت دیگر سرمایه‌های زندگی رابطه متقابل و متاثری برهم دارند، و با بستر سازی این نوع سرمایه در خانواده سایر سرمایه‌ها و توانمندی‌های فرد در جهت ایفای نقش و بازیگری مطلوب در صحنه اجتماعی شکل می‌گیرد. (فقهی فرهنگد و زنجانی، ۱۳۹۰: ۱۰۹) به عبارت دیگر سرمایه روان‌شناختی ثروتی در نظر گرفته شود که تحقق آن از طریق ابعاد هنجاری، ساختاری و شناختی خانواده ممکن است ایجاد گردد، پس افزایش احساس امنیت در خانواده به‌طور غیر مستقیم و ناشی از رابطه متقابلی که با بستر سازی سرمایه اجتماعی و خانواده باهم دارند ممکن است منجر به

تقویت سرمایه روان‌شناختی گردد، بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق رابطه معکوسی بین سرمایه روان‌شناختی و افزایش امنیت در خانواده در بین افراد جامعه مورد مطالعه وجود دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از منظری دیگر باید بیان کرد که تقویت احساس امنیت در سطح زندگی فردی باعث شده که اعتماد و صمیمیت به رشد سرمایه‌های فردی منتهی گردد. در واقع در سطح خرد پایه‌ریزی امنیت که از خانواده آغاز می‌شود همراه با یک اعتماد بنیادی و ارتباط ناب عاطفی باعث می‌شود که فرد در پی تکوین سرمایه‌های خویش باشد و بر اساس نهادینه شدن امنیت، خلاقیت‌ها، امید، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری شکوفا گردد و فرد را به سمت تکوین دیگر سرمایه‌های زندگی سوق دهد. بنابراین بر اساس نظریه گیدنز احساس امنیت در سطح فردی بر اساس بود و نبود خطر می‌تواند سرمایه‌های فردی را بسط یا کاهش دهد؛ همچنین احساس امنیت بر اساس بُعد زمانی می‌تواند مبتنی بر میزان برآورد خطر، سرمایه‌های روان‌شناختی را تغییر دهد. علاوه‌براین در جهان مدرنیته امروز تأکید بر وجوه ذهنی و فکری امنیت بسیار مهم‌تر از بعد عینی است، زیرا در این گردونه تجدد آنچه از دست انسان بر می‌آید ابتدا تضمین سلامت روحی روانی است که با تشکیل سرمایه‌های روان‌شناختی هویت مطلوب میسر فرد می‌گردد. چنین روندی ناشی از موفقیت در برقراری ارتباط ناب و اعتماد برانگیز حاصل می‌گردد.

در نهایت وجود احساس امنیت در سطح خردنگر در قالب مفهوم امنیت وجودی گیدنز به‌عنوان بعد اساسی در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که از طریق این نوع امنیت فرد به شناخت و هستی‌شناسی خود سامان داده و سرمایه‌های خود را پایه‌ریزی می‌کند. برخوردار بودن از چنین امنیتی می‌تواند نوعی تکیه‌گاه و بنیان فردی باشد، و برای فرد شخصیت و هویتی استوار و بدون تزلزل را در مقابل ناامنی و خطر بوجود می‌آورد؛ چنین امنیتی در زندگی، به سلامت روانی و صلابت شخصیت شکل داده و قدرت مقابله با آسیب‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه‌براین اثر عینی اعتماد و امنیت وجودی در بحث سیاست زندگی گیدنز پیوند با تحقق سرمایه‌های روان‌شناختی خورده است؛ به این معنا که فرد از طرق مختلف و شیوه‌های متنوع در تلاش است که سرمایه‌های خود را شکوفا سازد چنین سیاست زندگی برای فرد حق انتخاب را به‌وجود آورده است که با تحقق مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی، فرد رضایت خاطر و خشنودی در زندگی را ناشی از بسترسازی امنیت به‌دست می‌آورد. به عبارت دیگر امنیت در وجه ذهنی با تبلور سرمایه‌های روان‌شناختی منجر به خشنودی و رضایت فردی می‌شود.

در نهایت وجود احساس امنیت در سطح خرد نگر در قالب مفهوم امنیت وجودی گیدنز به‌عنوان بعد اساسی در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که از طریق این نوع امنیت فرد به شناخت و هستی‌شناسی خود سامان داده و سرمایه‌های خود را پایه‌ریزی می‌کند. برخوردار بودن از چنین امنیتی می‌تواند نوعی تکیه‌گاه و بنیان فردی باشد، و برای فرد شخصیت و هویتی استوار و بدون تزلزل را در مقابل ناامنی و خطر به‌وجود می‌آورد؛ چنین امنیتی در زندگی، به سلامت روانی و صلابت شخصیت شکل داده و قدرت مقابله با آسیب‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه‌براین اثر عینی اعتماد و امنیت وجودی در بحث سیاست زندگی گیدنز پیوند با تحقق سرمایه‌های روان‌شناختی خورده است؛ به این معنا که



فرد از طرق مختلف و شیوه‌های متنوع در تلاش است که سرمایه‌های خود را شکوفا سازد چنین سیاست زندگی برای فرد حق انتخاب را به وجود آورده است که با تحقق مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی، فرد رضایت خاطر و خشنودی در زندگی را ناشی از بسترسازی امنیت به دست می‌آورد. به عبارت دیگر امنیت در وجه ذهنی با تبلور سرمایه‌های روان‌شناختی منجر به خشنودی و رضایت فردی می‌شود.

پیشنهادها

- با توجه به آنکه امنیت روانی، اخلاقی و جانی به نسبت دیگر متغیرها از قدرت تبیین بالاتری در این پژوهش در راستای تحکیم سرمایه‌های روان‌شناختی برخوردارند؛ از این رو جهت برقراری سرمایه روان‌شناختی در سطح زندگی شهروندان، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد.
- با توجه به نتایج؛ امنیت روانی، قدرت تبیین بالایی دارد به عبارتی اگر امنیت روانی پاسخ‌گویان در سطح زندگی فراهم شود، احتمال رخ دادن سرمایه روان‌شناختی بیش از ۷۰ درصد است، بنابراین برای تامین احساس امنیت روانی باید از سازمان‌هایی مانند صدا و سیما، نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی و نیز مراکز فرهنگی و تفریحی حوزه مدیریت شهری، جهت بسترسازی آموزه‌های روان‌شناختی و مهارتی مرتبط با زندگی روزمره جهت آگاهی بخشیدن به شهروندان بهره‌مند شد.
- یک بعد از امنیت روانی، امنیت اخلاقی است که با برقراری این نوع احساس امنیت در حدود ۱۷ درصد سرمایه روان‌شناختی شهروندان بیشتر شکوفا می‌گردد، در زمینه بسترسازی امنیت اخلاقی در سطح جامعه مورد مطالعه، می‌توان با همکاری دیگر نهادها و سازمان‌های متولی فرهنگ عمومی، اخلاق و اعتقادات دینی شهروندان را تقویت کرد.
- در زمینه امنیت جانی به عنوان دیگر بتای اثرگذار بر سرمایه روان‌شناختی شهروندان، با توجه به تصورات ذهنی هر فرد، که متأثر از شرایط به وجود آمده در جامعه شکل می‌گیرد، احساس نگرانی و ترس روبه افزایش است، با توجه به رویکردهای ایجابی و سلبی که سازمان پلیس به عنوان حافظ نظم و امنیت در ذات ماموریت‌های خود به همراه دارد؛ با همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی، فرهنگی و رسانه‌ای باید برنامه‌ریزی‌های متنوعی مبتنی بر اقتضات زمانی و مکانی برای افزایش احساس امنیت جانی شهروندان را در سطح استان بسترسازی نمود تا از طریق بالا بردن این بعد از احساس امنیت، سرمایه روان‌شناختی شهروندان افزایش یابد.
- همکاری‌های بین سازمانی در جهت تنظیم و برنامه‌ریزی اقدام پژوهانه در راستای تحکیم نهاد خانواده از طریق یادگیری مهارت‌های زندگی، تربیت‌پذیری، فرایند مکانیسم‌های جامعه‌پذیری و ... می‌تواند در جهت تقویت نظم، انسجام و استحکام خانواده از مهم‌ترین آموزه‌هایی باشد که هر سازمانی با توجه به ماموریت‌هایی که در سطح جامعه دارد می‌تواند به توانمندسازی سرمایه‌های روان‌شناختی و افزایش احساس امنیت کمک نماید.



منابع

- باقری زاده؛ علی، صنعت خواه، علیرضا (۱۳۹۸)، جامعه شناسی احساس امنیت و ترس از جرم (با تاکید بر جغرافیای استان کرمان)، انتشارات جامعه شناسان- روش شناسان، چاپ اول.
- جمشیدیان، عبدالرسول؛ فروهر، محمد؛ محمدی، ناهید (۱۳۹۳). کاربرد سرمایه روان شناختی در بهبود فعالیت های پلیس، فصلنامه علمی توسعه سازمانی پلیس، دوره ۱۱، شماره ۵۱، ص ۱۱۶-۹۳.
- حسین پور داوود، ارمندئی مریم، ولدی رضا (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه روان شناختی بر تسهیم دانش با میانجی احساس امنیت روان شناختی؛ دانشگاه صنعتی شریف، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. دوره ۲۲، شماره ۴، ص ۱۵۴-۱۳۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال اول، شماره ۲-۳، ص ۴۰-۲۵.
- حبیب پورگتایی، کرم؛ صفری شالی، رضا (۱۳۹۰)، راهنمای جامع کاربردی Spss در تحقیقات پیمایشی، نشر لویه و انتشارات متفکران. چاپ سوم.
- حبیبی، آرش (۱۳۹۷). آموزش کامل Spss و راهنمای تصویری نرم افزار Spss. نشر الکترونیک پایگاه اینترنتی پارس مدیر.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی شاخص های احساس امنیت در تهران، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- ذاکری ماهانه، راضیه؛ افشانی، سیدعلیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد، مجله جامعه شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، ص ۱۱۰-۸۳.
- سلطانی بهرام، سعید؛ دانش، لیلیا؛ علی نژاد، رقیه (۱۳۹۴)، مطالعه نقش پیشگیری انتظامی از جرم بر احساس امنیت شهروندان تبریزی. مجله مطالعات جامعه شناسی دانشگاه آزاد تبریز، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۵۶-۳۹.
- سیمار اصل، نسترن؛ فیاضی، مرجان، قلی پور، آریین (۱۳۸۹). تبیین پیامدهای عوامل روان شناختی مثبت در سازمان، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۴۵-۲۳.
- سیمار اصل، نسترن؛ فیاضی، مرجان (۱۳۸۷)، سرمایه روان شناختی؛ مبنایی نوین برای مزیت رقابتی، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۰، ص ۴۸-۴۴.
- صالحی، سیدرضا؛ افشاری نادری، افسر. (۱۳۹۰)، مبنای نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، ص ۷۶-۴۹.
- صرامی فروشانی، غلامرضا؛ آخوندی، نیلا، علیپور، احمد؛ اعراب شیبانی، خدیجه (۱۳۹۳)، اعتباریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه سرمایه روانی در کارشناسان شرکت ایران خودرو دیزل، فصلنامه علمی مطالعات روانشناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰، شماره سوم، ص ۱۱۰-۹۵.

- صفری شالی، رضا (۱۳۹۰)، راهنمای تدوین طرح تحقیق (پروپوزال نویسی)، انتشارات جامعه و فرهنگ. چاپ سوم.
- فقهی فرهنگمند، ناصر؛ زنجانی، سعید (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با امنیت خانواده، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تبریز، دوره ۴، شماره ۱۰، ص ۹۹-۱۱۲.
- کار، آلن (۱۳۸۵)، روان‌شناسی مثبت؛ علم شادمانی و نیرومندی های انسان، ترجمه پاشا شریفی، حسن و نجفی زند، جعفر. انتشارات سخن، چاپ اول.
- کجباف، محمد باقر (۱۳۸۱)، روان‌شناسی رفتار ترس، ناشر آوای نور، چاپ اول.
- گراوند، یاسر؛ آتش افروز، عسگر؛ عنبری، علی (۱۳۹۹)، مدل یابی رابطه ساختاری امنیت و شادکامی اجتماعی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی: مورد مطالعه شهر اهواز، مجله علمی و پژوهشی روان‌شناسی ۹۵، سال بیست و چهارم، شماره ۳، ص ۳۳۴-۳۵۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ اول.
- هاشمیان، کیانوش؛ پورشهریاری، مه سیم؛ بنی جمالی، شکوه السادات و گلستانی بخت، طاهره (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با میزان به - زیستی ذهنی و شادمانی در جمعیت شهر تهران، فصلنامه مطالعات علمی روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۳، شماره ۳، ص ۱۶۳-۱۳۹.
- متقی، شکوفه؛ رضایی، صادق، اکبری، روح الله (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر سرمایه روان‌شناختی و خودکارآمدی بر احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۴، ص ۱۹-۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، قابل بازیابی از: <https://www.amar.org.ir>
- نیکخواه، فهیمه؛ صالحی، سمیه (۱۳۹۸)، رابطه سرمایه روان‌شناختی و احساس امنیت روان‌شناختی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، مجله مطالعات روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه اهواز، دوره ۶، شماره ۲، ص ۲۱۲-۱۹۳.
- نوروزی، فیض‌الله؛ فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، ص ۱۵۹-۱۲۹.
- وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم (۱۳۸۸)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۳، ص ۱۵۳-۱۳۳.
- هزار جریبی، جعفر؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۱)، رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در میان شهروندان تهرانی، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۲، پاییز، ص ۵۸-۳۱.



• هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰)، احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری، مجله علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه اصفهان، سال ۲۰، شماره ۲، تابستان، ص ۱۴۳-۱۲۱.

• یاری، حامد؛ هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱) بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، دوره ۱، شماره ۴، ص ۵۸-۳۹.

• Kruzich, J. M., Mienko, J. A., & Courtney, M. E. (2014). Individual and work group influences on turnover intention among public child welfare workers: The effects of work group psychological safety, *Children and Youth Services Review*, Vol 42, 20-27.

• Luthans, F., Avey, J.B., Avolio, B.J & Peterson, S.J. (2010). The development and resulting performance impact of positive psychological capital. *Human resource development quarterly*. Vol21, No1, 41-65.

• Luthans, F., Youssef, C., & Avolio, B. J. (2007). *Psychological Capital: Developing the human competitive edge*. Oxford, England: Oxford University Press.

• Luthans, F., Luthans, K.W. and Luthans, B.C. (2004) *Positive Psychological Capital: Beyond Human and Social Capital*. *Business Horizons*, Vol 47, No1, 45-50.

• McCubbin, M. A., & McCubbin, H. I. (1996). Resiliency in families: A conceptual model of family adjustment and adaptation in response to stress and crisis. In H. McCubbin, A. Thompson, & M.cCubbin (Eds.), *Family assessment: Resiliency, coping, and adaptation: Inventories for research and practice* (pp. 1-64). Madison: University of Wisconsin.

• Richardson, G. E. (2002). "The met theory of resilience and resiliency", *Journal of clinical psychology*, Vol58, No3, 307-321.

• Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, Vol55, No1, 5-14.

• Snyder, C. R., Rand, K. L., & Sigmon, D. R. (2002). Hope theory. In C. R. Snyder & S. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp.257-276). Oxford, UK: Oxford University Press.

• Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., Yoshinobu, L., Gibb, J., Langelle, C., & Harney, P. (1991). The will and the ways: Development and validation of an individual-differences measure of hope. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 60, No4, 570-585.

• Walsh, F. (2006). *Strengthening family resilience*. New York: The Guilford Press.